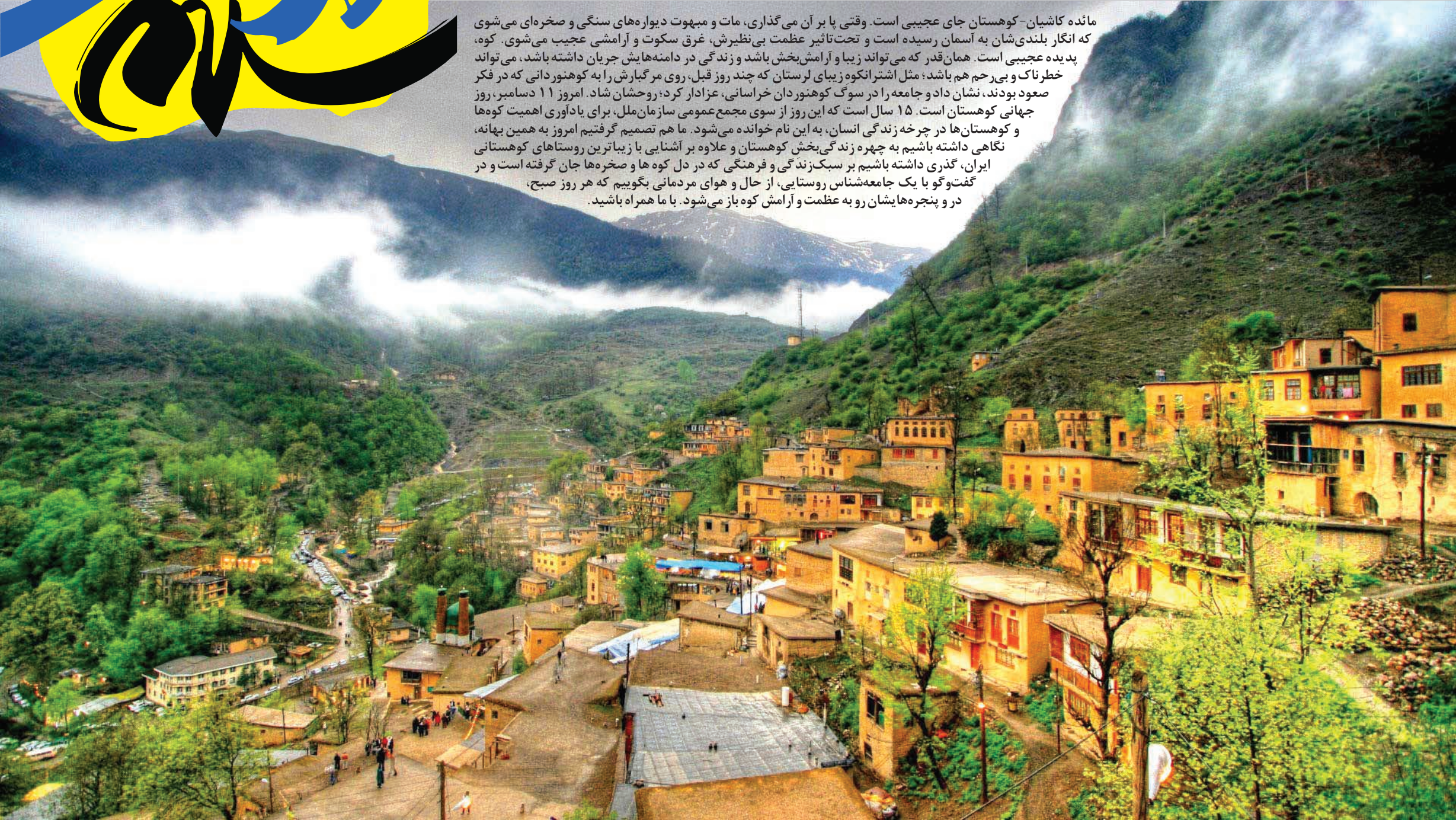


به بهانه روز جهانی کوهستان، نگاهی به زیباترین روستاهای کوهستانی ایران و سبک زندگی مردم این نقاط

سبک زندگی در قلب کوهستان

مانده کاشیان- کوهستان جای عجیبی است. وقتی پا بر آن می گذاری، مات و مبهوت دیوارهای سنگی و صخره‌ای می شوی که انگار بلندی‌شان به آسمان رسیده است و تحت تأثیر عظمت بی نظیرش، غرق سکوت و آرامشی عجیب می شوی. کوه، پدیده عجیبی است. همان قدر که می‌تواند زیبا و آرامش‌بخش باشد و زندگی در دامنه‌هایش جریان داشته باشد، می‌تواند خطرناک و بی‌رحم هم باشد؛ مثل اشترانکوه ز بیای لرستان که چند روز قبل، روی مرگبارش را به کوهنوردانی که در فکر صعود بودند، نشان داد و جامعه را در سوگ کوهنوردان خراسانی، عزادار کرد؛ روحشان شاد. امروز ۱۱ دسامبر، روز جهانی کوهستان است. ۱۵ سال است که این روز از سوی مجمع عمومی سازمان ملل، برای یادآوری اهمیت کوه‌ها و کوهستان‌ها در چرخه زندگی انسان، به این نام خوانده می‌شود. ما هم تصمیم گرفتیم امروز به همین بهانه، نگاهی داشته باشیم به چهره زندگی‌بخش کوهستان و علاوه بر آشنایی با زیباترین روستاهای کوهستانی ایران، گذری داشته باشیم بر سبک زندگی و فرهنگی که در دل کوه‌ها و صخره‌ها جان گرفته است و در گفت‌وگو با یک جامعه‌شناس روستایی، از حال و هوای مردمانی بگویم که هر روز صبح، در و پنجره‌هایشان رو به عظمت و آرامش کوه باز می‌شود. با ما همراه باشید.



نمایی از روستای کوهستانی ماسوله

از رنج و لذت کوهنشینان

کوهستانی به همان اندازه که زیبا و سخاوتمند است، خشن هم هست. پوست زمخت آفتاب سوخته، صورت‌های پیرتر از سن و سال و دست‌های پینه بسته اهالی کوهستان، گواه سختی زندگی در کوه است. روستاهای کوهستانی عموماً به دلیل قرار گرفتن در مناطق صعب‌العبور، از دریافت بسیاری امکانات اولیه زندگی محرومند و این دورافتادگی و انزوا در ماه‌های سرد سال شدیدتر هم می‌شود. در روزهای برفی که شهرنشینان خوشحال هستند، کوهنشینان در محاصره برف قرار می‌گیرند و معمولاً تا اواخر فصل بهار، ارتباطشان با دیگر مناطق کم و بیش قطع می‌شود. مردم کوهستان گرچه خشم طبیعت را فراوان تجربه می‌کنند، اما خیلی بهتر از شهرنشینان می‌دانند که رفاه و آسایش، اصالت و هویت و آینده فرزندان‌شان بر فراز کوه‌های بلند ساخته‌اند و در کوه‌ها برای خود طلب ابر و باران کرده‌اند. کوه‌ها، مهد غنای باورنکردنی زبان‌ها، محل شکل‌گیری معماری‌های شگفت‌آور، نمادهایی برای ادبیات، سینما، موسیقی و سنت‌های شفاهی هستند. با این‌همه زندگی در دامنه کوه، سختی‌های خودش را هم دارد. طبیعت

زندگی ما اینجا خیلی نزدیکی با طبیعت و ویژگی‌های اقلیمی محیط سکونت‌مان دارد؛ رطوبت و فشار هوا، میزان باد، تابش خورشید، ارتفاع از سطح دریا و مشخصه‌های این‌چنینی، تأثیر زیادی بر نوع پوشش، آداب و رسوم، فیزیک بدن و حتی خلق‌و‌خوی ما دارد. برای همین هم هست که مثلاً جنوبی‌ها را به‌واسطه بهره‌مندی بیشترشان از نور خورشید، خونگرم و صمیمی می‌دانیم و اهالی یزد را به دلیل طبیعت سختگیر و نه‌چندان مهر‌بانش، مردمی قانع و صبور می‌شناسیم. ساکنان کوهستان هم طبق همین قاعده، ویژگی‌های خلقی و سکونتی منحصر به‌فردی دارند. کوه‌ها میزبان جامعه‌هایی با فرهنگ و سنت‌های دیرین هستند؛ مردمانی که نیایگاه‌های خود را بر فراز کوه‌های کف‌افاده ساخته‌اند و در کوه‌ها برای خود طلب ابر و باران کرده‌اند. کوه‌ها، مهد غنای باورنکردنی زبان‌ها، محل شکل‌گیری معماری‌های شگفت‌آور، نمادهایی برای ادبیات، سینما، موسیقی و سنت‌های شفاهی هستند. با این‌همه زندگی در دامنه کوه، سختی‌های خودش را هم دارد. طبیعت

باشگفت انگیزترین روستاهای کوهستانی ایران

وسبک زندگی مردمشان آشنا شوید

روستای فردو؛ بهشتی در نزدیکی قم



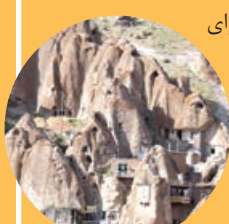
حتماً تا به حال به عنوان یک ایرانی، نام سایت هسته‌ای «فردو» را شنیده‌اید؛ نامی برگرفته از کلمه «فردوس» به معنای بهشت. فردو در واقع نام یک روستای کوهستانی هزار و ۸۰۰ نفری در کوه‌های جنوب‌شهر قم است که بعد از این که بخشی از تاسیسات هسته‌ای کشورمان در اعماق کوه‌های اطراف قم احداث شد، به پاس تعداد زیاد شهدا و جانبازانی که این روستا در طول هشت سال جنگ تحمیلی، تقدیم انقلاب کرده بود، نامش برای این سایت هسته‌ای انتخاب شد و از آن زمان به بعد فردو، بیش از همیشه شهرت جهانی پیدا کرد. ۵۰۰ رزمنده، ۱۰۸ شهید، ۲۵۰ جانباز و پنج آزاده در فردو، آماری است که اهالی روستا در باره جان‌فشانی‌های‌شان در سال‌های دفاع مقدس مطرح می‌کنند. فردو در بهار و تابستان آب و هوای خنکی دارد و به همین دلیل مردم قم برای بیلانق به این روستا می‌روند، اما در فصل زمستان هوایش سرد و خشک است. روستای کوهستانی فردو، طبیعتاً شیب‌دار است و همه خانه‌های آن، برای پیشگیری از ریزش، یک طبقه ساخته شده‌اند. معماری خانه‌های این روستا، معرف شغل اهالی آن است؛ مثلاً در خانه دامداران، اصطبل و انبار علوفه پیدا می‌شود. اگر عکس‌های این روستا را ببینید، احتمالاً دلتان نمی‌آید سری به فردو نزنید و دیدن کوه برف‌انبار را که در فصل زمستان کاملاً از برف پوشیده می‌شود و بلندترین قله استان قم است از دست بدهید یا از دیدن مزارع، غلزارهای وسیع، باغ‌های سرسبز و چشمه‌های اطراف روستا لذت نبرید. علاوه بر این‌ها، گشت و گذار در «غار آهکی سالمستان» و غار نوردی هم می‌تواند تجربه جالبی باشد. در فردو هم مثل بیشتر روستاهای کوهستانی، تعداد زیادی چشمه وجود دارد؛ به همین دلیل زراعت و دامداری، مهیج‌ترین شغل مردم این روستاست اما پرورش زنبور عسل و گیاهان دارویی، از همه پررونق‌تر است.

روستای ایبانه؛ یاقوت سرخ ایران



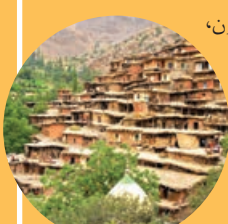
اگر روزی گذرتان به کاشان، اصفهان یا شهرستان نطنز افتاد، سفر به روستایی کوهستانی را که در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است فراموش نکنید. «ایبانه» در ۴۰ کیلومتری شمال‌غربی نطنز و ۷۰ کیلومتری کاشان، در دامنه کوه کرکس قرار دارد. خوشبختانه چون این روستا در منطقه کوهستانی قرار گرفته و از شهرهای بزرگ و پرجمعیت دور بوده، بافت قدیمی خود را تا حد زیادی حفظ کرده و دست عموم برای از بین بردن زیبایی‌های سنتی روستا کوتاه مانده است. ایبانه مثل بیشتر روستاهای کوهستانی، پلکانی است و از خاک قرمز روستا در ساخت خانه‌های ساده استفاده شده است؛ به همین دلیل تمام در و دیوار خانه‌های ایبانه، به رنگ سرخ است. سرخی خاک ایبانه به دلیل وجود آهن در آن است و این روستا از دور، به شکل یک لکه سرخ در دل کوه دیده می‌شود و به یاقوت سرخ ایران معروف است. اهالی این روستا هنوز لباس‌های سنتی خود را می‌پوشند و متولدان آن به‌طور معمول، تحصیلات عالی دارند؛ هر چند امروز روستا از جوانان خالی است. در ایبانه، در دل تپه‌های روستا می‌توانید بهترین فصل سفر به ایبانه، بهار است. آتشکده هریک، مرقد شاهزاده یحیی و شاهزاده عیسی و معتدل است و مردم این روستای کوهستانی، در فصل زمستان بارندگی زیادی را تجربه می‌کنند. بهترین فصل سفر به ایبانه، بهار است. آتشکده هریک، مرقد شاهزاده یحیی و شاهزاده عیسی و موزه مردم‌شناسی، از جمله مکان‌های دیدنی این روستا و لواشک، بهترین سوغات آن است. مهم است بدانید بنا بر آمار، مردم ایبانه میانگین سنی بالایی دارند که بخشی از آن به دلیل تغذیه سالم با غذاهای مقوی محلی مثل «گیپا» و «جوبن» است.

روستای کندوان؛ جریان زندگی در دل سنگ‌ها



احتمالاً تا به حال اسم روستای «کندوان» را زیاد شنیده‌اید، اما برای درک بهتر زیبایی‌های این روستای کوهستانی فقط باید به دامنه‌های کوه سهند، در نزدیکی شهرستان اسکو، ۶۲ کیلومتری جنوب‌غربی تبریز سفر کرد و شگفتی‌های آن را از نزدیک دید. روستای صخره‌ای کندوان، پر از حفره‌ها و غارهای حفر شده در دل سنگ است که حکم خانه‌های اهالی روستا، آغل دام‌ها و انبار وسایل غیر ضروری یا پخچال‌های طبیعی برای خوراک را دارند. تمام خانه‌های این روستای ۸۰۰ نفری، سنگی و به شکل هرم است و به دلیل معماری متفاوت برخاسته از جبر طبیعت، کندوان در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است. این صخره‌های کله قندی و غارهای دست‌کن توسط انسان که به عنوان خانه‌های مسکونی استفاده می‌شود، یکی از شگفت‌انگیزترین روستاهای صخره‌ای جهان را پدید آورده و اگر کل دنیا را بگردید، شبیه روستای کندوان فقط یک روستای صخره‌ای سوم و چهارم به عنوان سکونتگاه استفاده می‌شود. آبریزها معمولاً در کنار معابر و در خارج از کران‌ها قرار دارد و چند خانواده به‌طور مشترک دارای یک آبریز هستند. راستی اگر سرماییه هستید و دنبال لباس‌های پشمی درجه یک می‌گردید، یکی از مهم‌ترین کارهای مردم این روستا بافتن لباس‌هایی از جنس پشم گوسفندانی است که پرورش می‌دهند. عسل هم از مهم‌ترین محصولات این روستاست. بهترین زمان برای سفر به کندوان، فصل بهار و تابستان است.

روستای سرآقاسید؛ ماسوله‌ای در قلب زاگرس



اگر دلتان می‌خواهد مدتی دور از هیاهوی شهرهای بزرگ و مدرن، به جایی پناه ببرید که در آن خبری از مناسبات پیچیده زندگی شهری نیست، به روستای کوهستانی «سرآقاسید» سفر کنید. منطقه‌ای که اگر به آن جا بروید، انگار در تونل زمان سفر کرده‌اید و سال‌های طولانی به عقب برمی‌گردید؛ انتهای یک جاده پیچ در پیچ و باریک در استان چهارمحال و بختیاری، روستای پلکانی سرآقاسید. این روستای هزار و ۲۰۰ نفری، در ۱۳۴ کیلومتری شهرکرد و در دامنه قله «هفت تنان» رشته کوه زاگرس قرار دارد و چشمت پلکانی و معماری خشتی و گلی آن، آدم را به یاد روستای ماسوله گیلان می‌اندازد؛ سرآقاسید، ماسوله‌ای در قلب زاگرس است. در فصل زمستان، وقتی در این روستا برف می‌بارد خبری از بخاری و وسایل گرمایشی نیست و مردم با چاله‌هایی که در زمین حفر کرده‌اند و در آن آتش درست می‌کنند، هم غذا می‌پزند و هم خانه را گرم می‌کنند. از آن جا که به‌طور معمول، بارش برف راه‌های روستا را بند می‌آورد، مردم برای گذران این روزهای سخت تمهیداتی مثل انبار مواد غذایی می‌اندیشند. روایت‌های شیرین زیادی درباره شکل‌گیری نام عجیب این روستا وجود دارد؛ از آن جا که این روستا مرقد امامزاده‌ای معروف به «آقاسید» است، یکی از احتمالات این است که عشایر منطقه، وقت زیارت می‌گفتند: «می‌روم سر آقاسید» و این عبارت، کم‌کم روی کل آن منطقه مانده. اطراف روستای سرآقاسید پر است از مکان‌های دیدنی، مثلاً می‌توانید سری بزنید به آبشار شیخ علی خان، غار یخی چما، پیست اسکی چلگرد و چال میشان که حتی در فصل تابستان هم پر از برف است و می‌توانید در آن اسکی کنید. اگر تصمیم گرفتید به این روستا سفر کنید، بهترین زمان از شروع بهار تا یک ماه اول پاییز است.

مردمانی ورزیده و متعصب!



خیلی سخت است. نمی‌شود گفت مردم این مناطق کاملاً از بقیه جدا هستند اما یک سری صفات و خرده فرهنگ‌هایی دارند که متفاوت‌شان می‌کند.

این شرایط، روی سخت‌کوشی و استحکام روحیه مردم ساکن در این روستاها چه تأثیری دارد؟

به‌طور معمول کسانی که در مناطق کوهستانی زندگی می‌کنند سخت‌کوش‌تر و پرتلاش‌تر هستند، حتی از نظر فیزیکی و جسمی هم بسیار محکم و مقاوم اند. شاید دیده باشید که خیلی روستایی‌های مناطق کوهستانی و گردنشین، افراد خوش‌بنیه‌ای هستند و در بعضی روستاهای کردستان، مسیرهایی وجود دارد که رفت و آمد برای بزرگ سالان معمولی سخت است، اما کودکان آن‌جا خیلی راحت مسیر را طی می‌کنند. یا در همین اطراف مشهد، روستاهایی وجود دارد که مسیرشان کاملاً کوهستانی است؛ کسانی که اهل آن‌جا نیستند از پیاده روی در کوه‌های شیب‌دار زود خسته می‌شوند اما افراد مسن ساکن در آن‌جا به راحتی مسیر را طی می‌کنند. همه این‌ها به این دلیل است که شرایط اقلیمی سخت، ناخودآگاه افراد را به لحاظ جسمی و روحی قوی و ورزیده می‌کند.

این شرایط اقلیمی، تأثیر منفی فرهنگی هم روی ساکنان دارد؟

در حیطه فرهنگ، منفی یا مثبت نداریم؛ فرهنگ مردم این نواحی، برایشان کارکرد دارد و آداب و رسوم، هنجارها و قواعدشان متناسب با نیازهایشان طراحی شده است. در جامعه شهری ممکن است مزایای فرهنگی زیادی داشته باشیم که خیلی به‌درده جامعه نمی‌خورد و کارایی ندارد اما در این روستاها، معمولاً این‌طور نیست. در کل اصالت فرهنگی و حفظ هویت فرهنگی به نیست و نمی‌توان گفت چون مردم این مناطق افراد متعصبی هستند که فقط فرهنگ خودشان را خیلی قبول دارند، اتفاق بدی افتاده. چرا که هر نوآوری فرهنگی، الزماً اتفاق خوبی نیست.